شیوه های مخاطب شناسی و جذب جوانان/ اهمیّت مخاطب شناسی

پدید آورنده : معصومه کاظمی ، صفحه 28

یکی از ویژگی های لازم و ضروری برای هر سخنران، نویسنده و مبلّغی شناختِ مخاطب یا مخاطب شناسی می باشد. رعایت این ویژگی باعث می شود که از همان لحظه های آغازینِ گفتار یا نوشتار، مخاطبان، جذب مفاهیم یا موضوعات شده و تا پایان ارتباطی تأثیر گذار و تمام عیار با فرستنده پیام برقرار نمایند و در خود نوعی روشنگری نسبت به خواسته هایشان احساس نموده و هر بحثی را پاسخی به پرسشهای خود دانسته و فرستنده پیام را دارای سلیقه ای شایسته، دیدگاهی نو و با خبر از نیازهای روز و صاحب نظر در مسائل فکری فرهنگی امروز و فردای جامعه بیابند. پروردگار حکیم این ویژگی ضروری مبلغ را تحت عنوان «بصیرت» یاد کرده و به رسول خدا چنین می فرماید: «قل هذهِ سبیلی اَدعوا الی اللّه علی بصیرة اَنا و من اتّبعَنی»

بگو این است راه من که من و هر کس پیروی ام کرد با بصیرت و بینائی به سوی خدا دعوت می کنیم.

اساسا برای بهره گیری و بهره دهی در هر کاری انسان نیازمند به شناخت و آگاهی می باشد. از این رو شناخت و بینش صحیح در امر جوانان برای هدایت و راهنمائی آنان یک امر ضروری و واجب می باشد. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَن عَلی غیرِ عِلمٍ کان ما یُفْسِدُ اکثَر مِمّا یُصْلِح»

«هر که بدون دانش وارد کاری شود بیشتر مایه فساد است تا اصلاح...»

ویژگی های جوان

ابتدائی و اساسی ترین گام برای یک مبلّغ دینی در جهت برقراری یک ارتباط زنده و پویا شناسائی ویژگیهای روحی و توانائی های جوان می باشد.

نوجوانی نوروز عمر انسان و مرز ناپیدای کودکی و جوانی و آغاز فراز و نشیبهای روحی، جسمی، تحصیلی، اجتماعی و فرهنگی خواهر بود. نیاز به همدل و همراه، تخلیه انرژی تراکم بدن، دغدغه های روانی نسبت به موفقیت یا شکست در تحصیل، ورود آرام به جامعه و پیدا کردن شخصیت و موقعیت اجتماعی و هجوم پر شتاب و رعد آسای پرسش های فکری فرهنگی از آثار پیدا و ناپیدای این دوره است. «هدف آفرینش» و «علت خلقت» انسانها توسط خداوند پرسش نخستین جوانان در ذهن آنان بوده و تحول های خود آگاه و ناخودآگاهی که در تمام اعضای وجود خود حس می کنند گاه آنان را با نوعی ترس و اضطراب رو به رو می سازد. برخورد آگاهانه و پر بینش یگانه راه جذب و اطاعت آنان خواهد بود. در غیر اینصورت عکس العملی جز پرخاش، فریاد، لجبازی، مخالفت های پی در پی و درگیری مداوم با دیگر اعضای خانواده در پی نخواهد داشت. نوجوان با برخورد دوگانه اطرافیان رو به رو می شود. گاه او را کودک می پندارند چون دیروزِ او کودکی بوده است و گاه او را با توجه رشد سریع جسمانی اش به چشم فردی بزرگ و قابل قبول در جامعه به حساب می آورند و این دو گانگی چون سوهان خشنی روح او را می ساید و او را وادار می کند در برخی صحنه ها حرکات تند و بی هدفی را انجام دهد تا ثابت کند که از دیگران چیزی کم ندارد و برای حضور در جامعه آماده است.

بی شک نگرانی و دلواپسی خانواده ها از نوجوانان خود به خاطر اینگونه حرکات کاملاً بی مورد است زیرا این برخوردها طبیعی و به مقتضای سن اوست. از آن سو فشارهای بی مورد و سخت گیری های شتابزده آثار سوئی به همراه خواهد داشت. به دنبال نوروز نوجوانی، بهار جوانی از راه می رسد با ویژگی های فراوان، متفاوت و گاه متضاد در ابعاد متنوع و گوناگون.

اینک به برخی از ویژگی های جوانان از نگاه پیشوایان می پردازیم:

1- اثر پذیری

طبیعت انسان در دوران جوانی از قابلیت یادگیری و آموزش پذیری بیشتری برخوردار است زیرا فکر و دل جوان هنوز دچار دل مشغولی های روزگار و مسائل متنوع فردی و اجتماعی نگشته است.

قلب و دل جوان مانند زمین آماده کشتی است که هر دانه ای را می پذیرد و می پروراند. امام علی (علیه السلام) در وصیّت خود به فرزندش امام حسن (علیه السلام) نوشته است:

«و انّما قلبُ الحدثِ کالارضِ الخالیه ما القی فیها مِنْ شیٍ قَبلتهُ فبادَرتُکَ بالادَبِ قبلَ اَن یَقسُو قَلْبُکَ و یَشتَغِلَ لُبُّکَ لِتَستَقْبِلَ بِجِدِّ رأیِکَ مِن الاَمر...»

قلب و دل جوان مانند زمین خاکی از کشت است که هر چه در آن انداخته شود قبول می کند. از این رو قبل از این که دل تو سخت و فکر تو مشغول شود و در تربیت تو سرعت گرفتم تا با تمام اندیشه ات به استقبال آینده بروی.

این ویژگی در دوران آغازین عمر آنچنان بی طرف و فعّال است که قدرت گزینش داده های محیطی را از جوان می گیرد و این وظیفه اولیای جوانان و مبلغان دینی است که مواظب باشند قلب جوان محل کشت شیطان صفتان نگردد و با سرعت و با در نظر گرفتن اولویت در موضوعات آموزشی روح تشنه او را سیراب کنند، در غیر اینصورت روح جوان در اثر گذر ایّام و بالا رفتن سن و گرفتار شدن به مشغولیات زندگی و آموزشهای غلط سخت و غیر قابل انعطاف می گردد. «فطالَ علیهمُ الامَدُ فقسَتْ قلوبُهُم»

2- رشد عقلی

عقل جوان مانند جسم او در یک حرکت همه جانبه پیوسته رو به رشد و تکامل است. عقل دارای دو نوع رشد می باشد:

الف: رشد طبیعی (فیزیکی) که طبق برخی روایات اسلامی تا 35 سالگی و طبق برخی دیگر از روایات تا 28 سالگی است. ژان پیاژه روانشناس سوئیسی نهایت رشد فیزیکی ذهن را تا 15 سالگی می داند و بعد از آن، آنچه بزرگسالان را از نوجوانان متمایز می سازد را کم و زیاد بودن تجربه می داند.

ب: رشد اکتسابی (تجربی) که بر اثر آموزش و دریافت های علمی و تجربی صورت می گیرد و هر چه اندوخته های علمی انسان بیشتر می شود نیروی عقل نیز از توان بیشتری برخوردار می گردد.

چون هم جریان رشد مانند هر جریان تکاملی دیگر تدریجی و زمان بَر است و هم جریان آموزش، در مورد جوان باید به دو ویژگی خاص او توجه داشته باشیم: 1- نقص عقل 2- نقص دانش. چرا که در این جریان تکاملی او هنوز در آغاز این سیر است و نه عقل او به تکامل رسیده است و نه دانش او و وجود نقص لازمه هر حرکت تدریجی و تکاملی است. در یک حرکت تکاملی، فرد مرحله قبل را که دارای نقص است رها می کند و وارد مرحله بعدی که کاملتر از مرحله قبل و ناقص تر از مرحله بعد است می شود. امام علی (علیه السلام) با توجه به طبیعی بودن نقص دانش در بین جوانان می فرماید: «جَهلُ الشّاب معذورٌ و علمُهُ محصورٌ» جهالت جوان عذری پذیرفته دارد و دانش او ناچیز است.

و در مورد نقص عقل می فرماید: «العقلُ غریزةٌ تزیدُ بالعلمِ و التّجارب» عقل نیرو و غریزه ای است که بر اثر دانش و تجربه بیشتر می گردد.

البته قبول این مسأله از طرف جوانان کمی سخت به نظر می رسد امّا اگر آنها خود را بشناسند و این حقیقت را باور کنند که در مقابل احساسات نیرومند و آتشین آنها، بر عکس چراغ عقل و دانششان ضعیف و کم فروغ است و بین عقل و احساساتشان توازن وجود ندارد و این عدم توازن بزرگترین پرتگاه زندگی آنان است، از طرف دیگر این چراغ کم فروغ در اکثر اوقات دستخوش طوفانِ عواطف و هیجانات و احساسات می گردد، افکار و تخیّلات غیر واقعی، اوهام و افسانه های ناشدنی و گاه اختلالات روحی و آشفتگی های روانی نیز به آن حمله ور می شوند چه بسا برنامه های تربیتی مربیان را با علاقمندی و صمیمیّت بیشتری بپذیرند و به کار ببندند.

3- پاک دلی و رقّت قلبی

رقّت قلبی و پاک دلی از فضایل مهم اخلاقی است که بطور طبیعی در نهاد جوانان مایه تمایل ایشان به سوی خیر و نیکی است. هر چه انسان از دوران جوانی فاصله می گیرد قلب او غلیظ تر و غیر قابل انعطاف تر می گردد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «اوصیکم با الشّبانِ خیرا فانّهُم اَرّقُ افئدَةً انّ اللّهَ بعثَنی بشیرا و نذیرا فخالَفَنی الشّبانُ و خالفَنِی الشّیوخُ ثُمُّ قَرَأ (فطالَ علیهمُ الامَدُ فقستْ قلوبهم)

درباره جوانان به خیر و نیکی سفارش می کنم، چرا که قلب آنان رقیق و مهربان است. خداوند مرا برای بشارت و بیم دادن فرستاد که جوانان با من موافق شدند و پیران به مخالفت پرداختند سپس آیه 16 از سوره حدید را قرائت نمود. عمرشان طولانی شد، پس دل هایشان قساوت پیدا کرد.

رقّت قلب مایه هدایت و گرایش به حق، عفو و گذشت و در نتیجه مایه سازندگی اجتماع خواهد بود. هنگامی که از امام صادق (علیه السلام) پرسیده شد که چرا وقتی فرزندان حضرت یعقوب (علیه السلام) از او طلب بخشش کردند او گفت: در آینده (سحر شب جمعه) برای شما طلب بخشش می کنم ولی حضرت یوسف در برابر طلب بخشش برادران خویش بلافاصله ایشان را بخشید؟ یکی از پاسخهائی که امام دادند این بود که: «لاَنَّ قلبَ الشبابَّ اَرُّق مِنْ قَلبِ الشّیخ» زیرا قلب و دل جوان نازک تر و نرم تر از قلب فرد پیر است.

آنچه که می تواند این ویژگی را حفظ کند و از تبدیل آرام و پنهانی آن به قساوت قلب جلوگیری کند پرهیز از محیط های آلوده و انواع گناهان جوارحی و جوانحی و آموزش های غلط و ناهماهنگ با فطرت جوان می باشد.

4- دین گرایی (حق طلبی و فضیلت خواهی)

نوجوانان در سنین 12 تا 15 سالگی دارای اعتقادات مذهبی بیشتری هستند و در صورت تلاش خانواده و اجتماع، اعتقادات مذهبی در آنها می تواند تثبیت شود و الاّ تحقیقات نشان می دهد که در 18 سالگی این اعتقادات کاهش می یابد.

بنا بر گفته موریس دبس در این دوران نوعی بیداری مذهبی حتّی نزد کسانی که سابقا به مسائل مذهبی لا قید بودند دیده می شود. دگرگونی و گرایش به مذهب را می توان بخشی از توسعه شخصیت نوجوان دانست. جوانان در این سن به دنبال فلسفه ای برای زندگی خود هستند و درباره وجود خود و جهان نیازمند پاسخند و طبعا پاسخ را در مذهب جستجو می کنند. در اینجا نقش والدین و مربیان و روحانیون بسیار خطیر است زیرا بنا بر گفته موریس دبس ارزشهای اخلاقی در دوران بلوغ در وجود سرمشقهای انسانی متجلی می شود و به صورت انسانهایی بروز می کند که نوجوان سعی می کند به هیأت آنها درآید. اگر سرمشق ها رفتار مناسبی نداشته باشند نوجوان نسبت به ارزشهای اخلاقی سست و حتی بی تفاوت می شود. وجود این نمونه های عملی می تواند نوجوان را مؤمن سازد و یا او را از راه بدر برد و گمراهش نماید. گرایش جوانان به مذهب بر اساس گرایش فطرت پاک آنان به فضایل اخلاقی و ندای حق می باشد. این خواهش عمیق و طبیعی نوجوان و جوان به سجایای اخلاقی و معرفت الهی سبب شده است که روانشناسان این دوران را دوران ماوراء طبیعت بنامند.

امام صادق (علیه السلام) به ابو جعفر احول که از اصحاب و مبلغان دین بود فرمود:

«علیکَ بِالاحداثِ فانَّهُم اَسْرَعُ الی کُلِّ خَیْر»

به جوانان رو کن و ایشان را تبلیغ نما چرا که ایشان به سوی هر خیر و نیکی بیشتر سرعت می گیرند.

5- باریک بینی و تیز فهمی

در برخی از اخبار و آثار اسلامی جوانان از جهت ذهنی تیزتر و دقیق تر از بزرگترها معرفی شده اند به گونه ای که حتی سفارش شده در صورت نیاز به مشورت در مرحله اول از جوانان نظر خواهی کنید و بعد نظر آنان را به پیران با تجربه عرضه کنید تا آنان بررسی کرده و نظر نهایی را انتخاب کنند.

6- شور، نشاط و میل به تجمّل و زیبائی

جوانان دارای شور و نشاطی ویژه اند که در برخی از روایات از آن تعبیر به «شِرَةُ الشباب» شده است. تمایل به زیبائی و جمال یکی از خواهشهای فطری بشر است. انسان از دیدن مناظر زیبا لذت می برد. استعداد درک زیبائی ها مانند استعدادهای دیگر در نهاد انسان بالقوه موجود است و با پرورش عواطف و احساسات و ترقی سطح دانش و فرهنگ او، شکفته و متعالی می گردد. مردم علاقه دارند همه چیز و همه جا زیبا باشد، لباس زیبا بپوشند، روی و موی خود را زیبا بیارایند، روی مبل قشنگ بنشینند، غرق گلهای رنگارنگ باشند و... دین مقدس اسلام هم در ضمن پرورش کلیه تمایلات فطری بشر، این میل فطری را هم مورد حمایت قرار داده و استفاده از زیبایی های طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیدا توصیه نموده است. به کارگیری رنگ استفاده از روغن برای حفظ طراوت چهره و بدن، جامه زیبا پوشیدن، مسواک زدن، معطر بودن، خود را آراستن در حال عبادت و در مواقع معاشرت با مردم، در مسجد یا در محیط خانواده از نمونه های آرایش و بهداشت است که اسلام به آن سفارش کرده است.

آنچه که مهم است این است که این میل فطری در حد متعادل ارضاء گردد. زیاده روی در ارضاء این خواهش فطری جوان را به خود باختگی، لاابالی و بی هویتی فرهنگی سوق می دهد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «قَلَّ مَن تَشبَّه بقَومٍ الاّ اَوْ شَکَ اَنْ یکونَ مِنهُم» کمتر کسی خود را شبیه گروهی کرده است که از همان گروه نگشته باشد.

البته همانطور که قبلاً ذکر کردید جوانان علاوه بر تمایل به زیبائی های ظاهری به زیبائی های باطنی و سجایای انسانی و اخلاقی هم علاقمندند و حتی عشق به زیبائی های معنوی در آنان قوی تر از عشق به زیبائی های ظاهری می باشد. به همین دلیل از زیبا صورتانی که سیرت زشت دارند به شدّت نفرت پیدا می کنند و برعکس افرادی که دارای فضایلند ولی از زیبائی چهره بی بهره اند کانون عشق و توجه آنها واقع می شوند.

7- نوگرایی و تجددطلبی

انسان فطرتا از ظواهر جدید، مناظر بکر و تازه لذت می برد: «لِکُلِّ جدیدٍ لَذَةٌ» این روحیه نوگرائی در دوران جوانی حالت شتاب داری به خود می گیرد. جوان پیوسته از ظواهر جدید، مدل ها و الگوهای نو در رفتار، گفتار پوشش ظاهری و حتّی افکار و پندار لذت می برد. حضرت علی (علیه السلام) درباره جوانان و رعایت این روحیه می فرماید: «لا تَقسِروا اولادَکم علی آدابکُم فانهُم مخلوقونَ لزمانٍ غیرِ زمانکم». جوانان خود را به رعایت آداب و رسوم خودتان مجبور نکنید چرا که ایشان برای زمانی غیر از زمان شما بوجود آمده اند.

در حقیقت نوگرایی همان حرکت ب همراه زمان است به این صورت که مردم با گذر زمان و تغییر آن مبتلا به نوعی تغییر و تحول در شیوه های زندگی هستند چرا که هر زمان دارای مقتضیات ویژه خود می باشد به همین دلیل امام علی (علیه السلام) می فرماید: «النّاسِ بزمانِهم اَشبَهُ مِنْهُم بآبائِهِم» مردم به زمانشان بیشتر از پدرانشان شباهت دارند. در ارضای این میل فطری نیز باید حد اعتدال رعایت گردد و در ارضاء آن نباید آنچنان افراط کرد که یکباره تمام آداب و رسوم کهن را بی ارزش قلمداد نمود و به تقلید از جوامع دیگر پرداخت. تجدد و نوگرایی در تمام روش های نسل های قبل مطلوب نیست بلکه فقط در فرض ضرورت و نیاز و با در نظر گرفتن هویت ملی و فرهنگی و حفظ خواسته های فطری و رعایت احکام ثابت اخلاقی و دینی نوگرایی مطلوب و اجتناب ناپذیر است.

نگرش جوان به دین و مبلّغان دینی

جوانی با اینکه دنیای غرور و قدرت است در عین حال دنیای تسلیم محض نیز می باشد. جوانی دنیای آرزو و رویا، ناکامی و شکست و گاه پیروزی هاست. تضاد و تناقض های بسیار، سراب ها و گرداب های فراوان فشارهای خانواده و جوّ روانی جامعه نسبت به ورود به بازار کار یا دانشگاه، جوان را تحت فشار قرار می دهد و گاهی حساسیّت های سنّی و بی توجهی های اطرافیان و آشنایان ناراحتی های روحی روانی برای او فراهم می کند. در میان این طوفان تند امواج متلاطم هر کس که اوّلین قدم را برداشت و لبخندی لبریز از صمیمیّت بر لب نشاند، مهربانی و صفا را با دستان خود به دست جوان تقدیم کرد، اوست که دل و دیده او را ربوده و برای همیشه صاحب اندیشه، افکار، گفتار و رفتار این نسل خواهد بود. یک مبلّغ بصیر باید در این میدان گوی سبقت را از دیگران برباید و در همان سمت و سویی حرکت کند که این نسل نو، پر هیجان و تنوع طلب و با احساس حرکت می کنند و در بین آنان حضور محسوس داشته باشند.

جوان امروز انتظار دارد مبلّغ دینی با استفاده از تفکرات 40 سال پیش و استفاده از شیوه های خشک و بی روح مرتب او را مؤاخذه نکند و دین داری را با سخت گیری همراه نداند بلکه دین و خطوط قرمز و باید و نبایدها را با نگاه جامعه شناسانه و روانشناسانه و در قالب های شیرین به او ارائه دهد. او از مبلّغ و روحانی «رفاقت» می خواهد. دوست دارد او نیز مانند او «روان» سخن بگوید از کلمات زمخت و دشوار استفاده نکند و در سخنان خود مشکلات جامعه را تحلیل و بررسی کند نه اینکه بدون توجه به نیاز و درد آنان نسخه های آماده ارائه دهد.

او می خواهد که مبلّغ دین به محض دیدن نوع لباس و سبک آرایش او به او نگاه ملحدانه و ملعونانه نکند بلکه به دور از عوام زدگی و با شناخت روحیات، اندیشه ها و آرزوهای آنان به پر کردن خلاءها و گسست های فرهنگی موجود بپردازد و از تمام پتانسیل های بالقوه و بالفعل دین و فرهنگ خودی در جهت پرورش اصولی نسل جوان شایسته ترین استفاده را بکند. ما معتقدیم که این شیوه تبلیغ، روشن، شیرین و دست یافتنی است به شرطی که روش های تبلیغی را نوسازی کنیم و سعی کنیم مخاطبین جوان خود را بطور عمیق بشناسیم و بدانیم که نسل جوان امروز بسیار خوب می فهمند و حتی همیشه چندین قدم جلوتر از سن خود از حقایق آگاهی دارند.

اگر جوانان در طرف مقابلشان اندک تواضع دوستانه ای احساس کنند مطیع محض می شوند زیرا آنها قبل از آنکه دنبال «آموزش» باشند به دنبال کسی هستند که آنان را به حساب آورد و به آنها شخصیت دهد، سخنانشان را بشنود و حتّی اگر راه و چاره ای نمی داند دست کم با آنان همدل و همراه بشود و با زبانی دوستانه راه گفتگو را برای همیشه باز نگه دارد. جامعه امروز را به خوبی بشناسد و سخنان خود را با برداشت دیروزی بیان نکند.

در دوران نوجوانی و جوانی توازن بین رشد عقل و احساسات به هم می خورد. جوان دستخوش احساسات تند و تمایلات پر شوری می شود که قضاء حکیمانه الهی در جهت تأمین فعالیت و سعادت آنان در وجودشان نهاده است. بزرگترین مشکل مربیان در این دوران تعدیل و هدایت این پرشور است. بهترین راه برای مهار کردن احساسات استفاده از عواطف و احساسات نیرومندتر است. مبلّغی که صاحب نگرشی نو است علاوه بر اینکه معارف و ارزش های دینی را در قالبهای نو، به روز و متنوع و مستدل همراه با همزبانی و مهربانی ارائه می دهد با شناساندن جلوه های زیبا و لطیف زندگی اسوه های دین خصوصا در برخوردهای آنان با جوانان، فرصت عشق ورزی آنان را با خداوند و آن نمادها و اسوه های فضایل فراهم می آورد. به یقین اگر جوانان امروز جامعه ما درست زیستن را با نو فهمی و شیرین زبانی بیاموزند مانند جوان دیروز که در جبهه های مقدس حماسه آفریدند همچون اسماعیل «ذبیح عشق» می شوند و بسان یوسف مثل اعلای نفس ستیزی و دشمن گریزی و چون سرورشان سید شهیدان هستی، عاشق شهد شیرین شهادت و در زیبانگری به حوادث زندگی همچون «زینب» می شوند.

پی نوشتها:

1. احمد لقمانی، شیوه های جذب جوانان در تبلیغ، بهشت بینش، تابستان 81، صص 9 و 8.

2. سوره یوسف، آیه 108.

3. احمد لقمانی، شیوه های جذب جوانان در تبلیغ، بهشت بینش، تابستان 81، صص 30- 28.

4. محمد علی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت، مؤسسه بوستان کتاب، قم، 1382، صص 73 - 37.

5. سوره حدید، آیه 16.

6. محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، هیئت نشر معارف اسلامی، ج 1، صص، فصل 12 و یا 13.

7. البته امام (علیه السلام) در ادامه جواب دیگری را نیز می فرماید و آن اینکه حضرت یوسف (علیه السلام) زود بخشید چون حق خودش بود ولی حضرت یعقوب طلب بخشش را به تأخیر انداخت چون حق دیگری بود و باید در فرصت مناسب از خداوند طلب بخشش می کرد.

8. سید احمد احمدی، روانشناسی نوجوان و جوان، انتشارات مشعل، اصفهان، 1382، ص 67.

9. همان منبع، ص 68.

10. محمد تقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، نشر معارف اسلامی، ج 1، ص 342.

11. شیخ کلینی، اصول کافی، ج 8، ص 93.

12. نهج البلاغه، حکمت 207.

13. ر.ک به ص 10.

14. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 267، کلمه 102.

15. منظور از آداب و رسوم، روش های اجتماعی هر زمان است نه آداب و ارزش های ثابت اخلاقی.

16. ابن ابی الحدید، همان منبع، ج 19، ص 209.5